خبر

اشتغال ۵۷۰ زن روستایی وعشایری در استان اصفهان

با پرداخت ۴۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات اشتغال، امسال بستر اشتغال و توسعه بازار فروش محصولات برای ۵۷۰ زن روستایی و عشایری تحت حمایت کمیته امداد استان اصفهان فراهم شده است.

معاون اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره) استان اصفهان با اشاره به رویکرد این نهاد در توسعه فرصت‌های شغلی و تقویت توان اقتصادی زنان در مناطق روستایی و عشایری افزود: این تسهیلات با هدف سهولت در ایجاد و توسعه فرصت‌های اشتغال و فراهم‌سازی زمینه فعالیت اقتصادی پایدار برای زنان تحت حمایت پرداخت شده است. احمد رضایی افزود: این حمایت‌ها در چارچوب الگوی راهبری و هدایت شغلی دنبال می‌شود تا زنان کارآفرین و تولیدکننده علاوه بر بهره‌مندی از تسهیلات، از آموزش، هدایت تخصصی و ظرفیت‌های لازم برای توسعه کسب‌وکار خود نیز برخوردار شوند. او با تاکید بر اهمیت بازاریابی و فروش محصولات تولیدی جامعه هدف تاکید کرد: در همین راستا، آموزش‌ها و بسترهای لازم برای عرضه و فروش محصولات تولیدکنندگان تحت حمایت در بازارهای مجازی و پلتفرم‌های فروش اینترنتی از جمله دیجی‌کالا، باسلام و سایر سکوهای تجارت الکترونیک فراهم شده و تعدادی از این تولیدکنندگان نیز در این بسترها فعال هستند. احمد رضایی تاکید کرد: توسعه دسترسی به بازارهای فروش مجازی، علاوه بر افزایش دامنه مشتریان، می‌تواند فرصت معرفی محصولات تولیدی زنان روستایی و عشایری تحت حمایت و تقویت درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی آنان را فراهم کند. معاون اشتغال و خودکفایی کمیته امداد استان اصفهان گفت: توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی و عشایری تحت پوشش با رویکردی جامع و از طریق پرداخت تسهیلات، هدایت شغلی، آموزش مهارت‌های مورد نیاز و تسهیل مسیر بازاریابی و فروش محصولات دنبال می‌شود تا زمینه پایداری مشاغل و حرکت خانوارهای تحت حمایت به سمت خودکفایی فراهم شود.

حمله خرس به باغدار سمیرمی

مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان از حمله خرس به باغداری در روستای خفر و مصدوم شدن وی خبر داد.

منصور شیشه‌فروش اظهار داشت: پیش از ظهر امروز یک آقای ۴۲ ساله در روستای خفر حالی که مشغول کار در باغ بوده یک خرس قهوه‌ای وارد باغ می‌شود و به او حمله می‌کند. او با بیان اینکه این فرد بر اثر حمله خرس از ناحیه شکم و پا مصدوم می‌شود، گفت: بلافاصله برای درمان به بیمارستان اعزام شد.شیشه‌فروش با اشاره به عیادت از این فرد افزود: در حال حاضر وضعیت این فرد مساعد است و کارهای اولیه درمانی انجام شده و فردا به بخش منتقل می‌شود.مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان ادامه داد: پادنا و روستای خفر زیستگاه طبیعی خرس است و گاها خرس‌ها به خاطر دستیابی به غذا به باغ‌ها می‌آیند و باید باغداران رعایت بکنند و تنها در باغ حضور پیدا نکنند. او با بیان اینکه تاکنون چندین مورد حمله خرس در این منطقه گزارش شده است، گفت: تأکید هست افراد به ارتفاعات و باغات که می‌روند و چون الان فصل چیدن سیب است، خرس‌ها برای دستیابی به غذا به باغات می‌روند. شیشه‌فروش با بیان اینکه به ساکنان و باغداران توصیه شد که هشدارهای ایمنی را رعایت کنند، عنوان داشت: محیط‌زیست این خرس را به خارج باغ به سمت زیستگاه طبیعی‌اش هدایت کرد.

اصفهان عهده‌دار دبیرخانه کشوری مدرسه توانا شد

در ادامه مسیرتحولی نظام آموزشی متمرکز توانمندسازی مبتنی بر مدرسه، مسئولیت دبیرخانه کشوری مدرسه توانا به استان اصفهان واگذار شد.

معاون آموزش ابتدایی اداره‌کل آموزش و پرورش استان اصفهان گفت: طرح ملی مدرسه توانا در ادامه مسیر تحولی سه مرحله‌ای (طرح کارآمد، توانا و اکنون مدرسه توانا) برای سال تحصیلی ۱۴۰۵–۱۴۰۶ طراحی شده است و واگذاری دبیرخانه کشوری آن به اصفهان، نشان‌دهنده ظرفیت بالا، تجربه و پشتوانه علمی و اجرایی همکاران ما در استان است. اعظم هارونی با تأکید بر اینکه مدرسه توانا بر چهار ویژگی کلیدی مدرسه‌محور بودن، مسئله‌محور بودن، عمل‌محور بودن و تداوم یادگیری حرفه‌ای استوار است، افزود: در این الگو، معلم دیگر تنها یک فراگیر منفعل نیست، بلکه به عنوان یک تولیدکننده دانش حرفه‌ای در بستر اجتماعات یادگیری نقش‌آفرینی می‌کند و هدف نهایی توانمند سازی مدیران و معلمان برای حل مسائل واقعی یادگیری در کلاس درس و مدارس است. او به چرخه پنج مرحله‌ای اجرای این طرح پرداخت ادامه داد: اجرای این طرح شامل مراحل دقیق نیازسنجی، انتخاب موضوع مبتنی بر مسائل مدرسه، تدوین برنامه سالانه، اجرای حلقه‌های یادگیری و ارزیابی و بازطراحی است، همچنین سر فصل‌های کشوری این دوره شامل مباحث حیاتی از جمله سلامت روان و تاب آوری، طراحی آموزشی در فضای ترکیبی با جدیت در مناطق استان پیگیری می‌شود. هارونی با اشاره به نقش اجتماعات یادگیری در بستر سامانه مربوط گفت: با بهره‌گیری از زیرساخت‌های فناورانه، این اجتماعات در سطوح مختلف مدرسه‌ای، منطقه‌ای و استانی فعال شده و فرآیندهایی از جمله قطب‌بندی و تولید محتوا در مخزن علمی به صورت نظام‌مند رصد خواهند شد.

از نشاط خانواده‌های پرجمعیت تا سکوت خانه‌های تک‌فرزند

خانواده ایرانی چگونه کوچک شد



روزگاری خانه‌های ایرانی با صدای چندین فرزند و رفت‌وآمد خواهران و برادران رونق داشت و خانواده‌هایی با ۱۰ تا ۱۲ فرزند چندان دور از ذهن نبود، اما امروز در چرخشی معنادار، بسیاری از خانواده‌ها به داشتن تنها یک فرزند بسنده می‌کنند، تغییری که نشان می‌دهد الگوی فرزندآوری در ایران طی چند دهه گذشته دستخوش تحولی جدی شده است.

به گزارش ایرنا، خانه‌هایی که روزگاری جمعیت زیادی از فرزندان را در خود جای می‌دادند و حضور چندین خواهر و برادر بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی خانوادگی بود، امروز جای خود را به خانواده‌هایی کوچک‌تر داده است، خانواده‌هایی که گاهی تمام دنیای فرزندشان در حضور یک کودک خلاصه می‌شود، اگر در گذشته داشتن ۱۰ یا حتی ۱۲ فرزند در برخی خانواده‌های ایرانی پدیده‌ای معمول بود، اکنون تمایل به تک فرزندی و محدود کردن تعداد فرزندان به یک فرزند، به یکی از ویژگی‌های الگوی جدید خانواده در ایران تبدیل شده است. این تغییر تنها به کاهش تعداد فرزندان محدود نمی‌شود، بلکه از دگرگونی نگرش‌ها، شرایط اقتصادی و اجتماعی و تغییر اولویت‌های زندگی حکایت دارد، روندی که پیامدهای آن فراتر از حریم خانواده، آینده جمعیتی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در گذشته نه چندان دور وقتی خانواده متشکل از خواهرها، برادرها، خاله ، عمه ، دایی و عمو دور هم جمع می شدند، همهمه و هیاهویی در خانه می پیچید که گاها صدا به صدا نمی رسید، هر کسی یک بخش کار را می گرفت و همه چیز به خوبی پیش می رفت، اما امروزه در هر خانه ای یک فرزند وجود دارد، این بچه ها به مرور نه دایی، نه عمو ، نه خاله و نه عمه خواهند داشت، این یعنی یک دگرگونی اساسی در الگوی خانواده ها که باید مورد توجه جدی مسوولان قرار گیرد. در واقع الگوی فرزندآوری در خانواده‌های ایرانی در سه دهه گذشته دستخوش تغییرات قابل‌توجهی شده است، تغییری که یکی از نشانه‌های روشن آن، کاهش تمایل خانواده‌ها به داشتن فرزند دوم و افزایش سهم خانواده‌هایی است که پس از تولد نخستین فرزند، تصمیم می‌گیرند زندگی خانوادگی خود را با همان یک فرزند ادامه دهند، روندی که نشان می‌دهد تک‌فرزندی به‌تدریج از یک انتخاب محدود و استثنایی، به یکی از الگوهای قابل‌توجه در ساختار خانواده ایرانی تبدیل شده است. آمارهای منتشر شده از سوی مرکز رصد جمعیت کشور، تصویری روشن از این تغییر ارائه می‌دهد، بر اساس این گزارش، در سال ۱۳۸۵ حدود ۸۲ درصد از کودکانی که در سال ۱۳۷۵ به عنوان فرزند اول متولد شده بودند، تا آن زمان صاحب خواهر یا برادر شده بودند. به بیان دیگر، در آن دوره بیش از چهار پنجم خانواده‌هایی که صاحب نخستین فرزند شده بودند، تجربه فرزند دوم را نیز پشت سر گذاشته بودند، این نسبت در اغلب استان‌های کشور، به جز گیلان، تهران، البرز و اصفهان، بیش از ۸۰ درصد بود. اما بررسی روند این شاخص در سال‌های بعد، از تغییر تدریجی و مستمر رفتار باروری خانواده‌ها حکایت دارد، نسبت گذار از فرزند اول به دوم که در سال ۱۳۸۵ حدود ۸۲ درصد بود، در سال ۱۴۰۵ به ۶۲ درصد رسیده است. به این ترتیب، در حالی که در گذشته بخش عمده خانواده‌ها پس از تولد فرزند اول به استقبال فرزند دوم می‌رفتند، اکنون ۳۸ درصد از خانواده‌هایی که در سال ۱۳۹۵ نخستین فرزند خود را به دنیا آورده‌اند، تا سال ۱۴۰۵ همچنان تک‌فرزند باقی مانده‌اند. این تغییر آماری را می‌توان نشانه‌ای از دگرگونی در نگرش خانواده‌ها نسبت به اندازه مطلوب خانواده دانست؛ نگرشی که در آن، داشتن یک فرزند برای بخشی از زوج‌ها به انتخاب نهایی تبدیل شده است. البته تصمیم به تک‌فرزندی را نمی‌توان صرفاً به یک عامل نسبت داد، شرایط اقتصادی و معیشتی، هزینه‌های مسکن، آموزش و نگهداری کودک، نااطمینانی نسبت به آینده شغلی، تغییر سبک زندگی، افزایش انتظارات والدین از کیفیت تربیت فرزند و دشواری ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در این تصمیم نقش داشته باشند. نگاهی به آمارهای استانی نیز ابعاد دیگری از این تحول را آشکار می‌کند. در سال ۱۳۸۵، شاخص گذار از فرزند اول به دوم در ۱۰ استان کشور به بیش از ۹۰ درصد می‌رسید. در آن زمان، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان جنوبی با ۹۴ درصد در صدر قرار داشتند، سیستان و بلوچستان با ۹۳ درصد و استان‌های ایلام، بوشهر و خراسان شمالی با ۹۲ درصد در رتبه‌های بعدی بودند، همچنین این شاخص در هرمزگان ۹۱ درصد و در چهارمحال و بختیاری، کرمان و خوزستان ۹۰ درصد گزارش شده بود. این ارقام نشان می‌دهد که در آن دوره، فرزندآوری دوم در بسیاری از مناطق کشور رفتاری رایج و غالب بود، اما در سال‌های اخیر، الگوی فرزندآوری در استان‌های مختلف نیز دستخوش تغییر شده است. بر اساس بررسی‌های استانی، سهم خانواده‌هایی که پس از تولد فرزند اول همچنان تک‌فرزند باقی مانده‌اند، در گیلان به ۶۳ درصد، مازندران به ۵۷ درصد، البرز به ۵۱ درصد و تهران به ۵۰ درصد رسیده است. به عبارت دیگر، در گیلان تقریباً از هر سه خانواده‌ای که صاحب فرزند اول شده‌اند، ۲ خانواده تا مقطع بررسی همچنان تک‌فرزند مانده‌اند. در مقابل، سیستان و بلوچستان همچنان از الگوی متفاوتی برخوردار است. مطابق گزارش مرکز رصد جمعیت کشور، نسبت گذار از فرزند اول به دوم در این استان ۸۸ درصد است؛ رقمی که نشان‌دهنده تداوم تمایل بالاتر به فرزند دوم در مقایسه با بسیاری از استان‌های دیگر است. با این حال، بررسی روند سال‌های گذشته نشان می‌دهد که شاخص گذار از فرزند اول به دوم در استان‌های مورد بررسی، به‌جز سیستان و بلوچستان، بیش از ۱۵ درصد کاهش یافته است. تفاوت میان استان‌ها بیانگر آن است که تغییر الگوی فرزندآوری در ایران روندی یکسان و هم‌زمان نداشته و عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی در مناطق مختلف، تأثیرات متفاوتی بر تصمیم خانواده‌ها گذاشته‌اند. از همین رو، تحلیل وضعیت جمعیت کشور بدون توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای و استانی نمی‌تواند تصویر کاملی از تحولات خانواده ایرانی ارائه دهد. نکته مهم این است که افزایش سهم خانواده‌های تک‌فرزند، تنها به معنای کاهش تعداد فرزندان در هر خانواده نیست؛ بلکه در بلندمدت می‌تواند بر ساختار سنی جمعیت، نسبت جمعیت جوان به سالمند، اندازه نسل‌های آینده و حتی شبکه‌های حمایتی خانوادگی تأثیر بگذارد. کوچک‌تر شدن نسل‌های متوالی، در صورت تداوم، می‌تواند به کاهش تعداد خواهران و برادران در خانواده‌های آینده و تغییر ساختار روابط خویشاوندی منجر شود. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که تصمیم به فرزندآوری، تصمیمی عمیقاً شخصی و وابسته به مجموعه‌ای از شرایط زندگی زوج‌هاست. بنابراین، مواجهه با روند افزایش تک‌فرزندی، صرفاً با توصیه‌های فرهنگی یا دعوت به افزایش تعداد فرزندان امکان‌پذیر نیست. ایجاد امنیت اقتصادی، دسترسی به مسکن مناسب، ثبات شغلی، حمایت از والدین شاغل، توسعه خدمات مراقبت از کودک و کاهش هزینه‌های تربیت و آموزش، از جمله بسترهایی هستند که می‌توانند در شکل‌گیری تصمیم خانواده‌ها نقش داشته باشند. در مجموع، آمارهای مرکز رصد جمعیت کشور از یک تغییر معنادار در الگوی خانواده ایرانی حکایت دارد؛ تغییری که در فاصله دو دهه، نسبت گذار از فرزند اول به دوم را از ۸۲ درصد به ۶۲ درصد کاهش داده است. این ارقام نشان می‌دهد که تک‌فرزندی دیگر صرفاً یک انتخاب فردی و محدود نیست، بلکه به پدیده‌ای قابل‌توجه در تحولات جمعیتی کشور تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که شناخت دقیق دلایل آن و بررسی تفاوت‌های استانی، می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه‌تر در حوزه خانواده و جمعیت قرار گیرد.

۱۴ سکه و معمای وصول مهریه



مصوبه اخیر مجلس درباره مهریه، در تقاطع میان حبس‌زدایی از مردان و تضمین امنیت اقتصادی زنان، راه پر فراز و نشیبی را گشوده که عبور از آن نیازمند ظرافت‌های حقوقی و بازنگری واقع‌بینانه‌است.

به گزارش ایسنا، در عقدنامه، مهریه با یک عدد ثبت می‌شود اما در زندگی، سرنوشتش چیزهای بیشتری بستگی دارد: توان پرداخت، دسترسی به اطلاعات دارایی، هزینه دادرسی و زمانی که برای رسیدن به حق می‌گذرد. مصوبه مجلس درباره مهریه، بحثی قدیمی را با عدد ۱۴ دوباره به خانه‌ها کشانده است. آیا می‌توان مردی را که واقعاً توان پرداخت ندارد از زندان دور نگه داشت، بی‌آنکه طلب زن به حقی دشوارالوصول تبدیل شود؟ پاسخ، نه در انتخاب ساده میان زندان و آزادی، که در کیفیت تشخیص توان مالی و اجرای حکم نهفته است. نخست باید یک سوءتفاهم را کنار گذاشت: «مهریه ۱۴ سکه‌ای» قانون نشده است. مجلس در اول شهریور ۱۴۰۵ طرح «اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی» را تصویب کرد، اما شورای نگهبان به بخشهایی از آن ایراد گرفت و هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بخشهایی را مغایر سیاستهای کلی دانست. محمد سرگزی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، روز ۱۰ آبان اعلام کرد که کمیته‌ای برای بررسی این ایرادها تشکیل شده و پیشنهادهای آن پس از بررسی در کمیسیون، دوباره به صحن مجلس خواهد رفت. بنابراین آنچه امروز محل بحث است، مصوبه‌ای در مسیر اصلاح است، نه قانونی که اکنون بتوان بر پایه آن درباره پرونده‌های مهریه حکم داد. دومین سوءتفاهم، به خود عدد ۱۴ مربوط است. مصوبه، سقفی برای توافق زوجین بر سر مهریه تعیین نمی‌کند و طلبی را که در عقدنامه ثبت شده، به ۱۴ سکه کاهش نمی‌دهد. بحث بر سر ضمانت اجرای وصول است: طبق متن مصوب مجلس، وصول مهریه تا ۱۴ سکه مشمول مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است و درباره مازاد، توانایی مالی زوج ملاک پرداخت قرار می‌گیرد. سرگزی نیز در توضیح مصوبه تأکید کرده است که اصل بدهی و حق مطالبه تمام مهریه باقی می‌ماند. بااینحال، میان «باقی ماندن طلب روی کاغذ» و «امکان مؤثر وصول آن» فاصله‌ای وجود دارد که نمی‌توان با یک توضیح حقوقی از کنار آن گذشت. قانون فعلی هم میان اصل مهریه و شیوه وصول آن تفاوت می‌گذارد. ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، زن را از زمان عقد مالک مهر میشناسد؛ ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده نیز درباره مهریه تا ۱۱۰ سکه و مازاد بر آن، مقررات متفاوتی برای وصول پیش‌بینی کرده است. پس ماجرا پیش از طرح تازه نیز «مهریه حداکثر ۱۱۰ سکه» نبود، تفاوت تعیین‌کننده در مصوبه مجلس، پایین آوردن نصاب مرتبط با ضمانت اجرا از ۱۱۰ به ۱۴ سکه و تغییر شیوه برخورد با برخی محکومان مالی بود. اگر این تمایز درست روایت نشود، افکار عمومی میان دو تصور نادرست سرگردان می‌ماند؛ اینکه حق زن از بین رفته است، یا اینکه چون حق او باقی است، هیچ تغییری در امکان دستیابی به آن رخ نمی‌دهد. مجلس برای تغییر شیوه اجرا، استدلالی دارد که باید جدی گرفته شود. زندان، دارایی تازه‌ای برای بدهکار ناتوان ایجاد نمی‌کند؛ گاهی حتی راه اشتغال و پرداخت تدریجی بدهی را نیز می‌بندد. در مذاکرات مجلس، محمدتقی نقدعلی از ضرورت کاهش جمعیت زندانیان محکومیت‌های مالی گفته و تصریح کرده است: آماری که درباره زندانیان مالی بیان می‌شود، فقط به مهریه مربوط نیست. مصوبه برای دیونی مانند مهریه و دیه، که بدهکار در برابر ایجاد دین مالی دریافت نکرده، نظارت الکترونیکی را به جای نگهداری در زندان پیش‌بینی کرده بود. از این منظر، پرسش طراحان قابل فهم است: چرا کسی که امکان پرداخت ندارد، باید با زندانی شدن امکان کار کردن را هم از دست بدهد؟ اما پاسخ به این پرسش، سوال دیگری را حذف نمی‌کند: اگر بدهکار توان پرداخت داشته باشد و نپردازد چه باید کرد؟ شورای نگهبان دقیقاً به همین نقطه ایراد گرفته است. به توضیح سخنگوی شورا، دریافت نکردن مال در برابر دین، دلیل ناتوانی مالی نیست؛ ممکن است بدهکار متمکن باشد و پرداخت را به تعویق بیندازد. شورا انحصار نظارت الکترونیکی و محدود شدن ضمانت اجرای ماده ۳ به ۱۴ سکه را خلاف شرع دانست و بر تمایز میان بدهکار واقعاً ناتوان و بدهکار توانمندِ خودداری‌کننده تأکید کرد. این ایراد، هسته بحث را از «چند سکه؟» به «چه کسی می‌تواند بپردازد؟» منتقل می‌کند. همین جابه جایی، از نظر اجتماعی مهم است. عدد ۱۴ برای همه پرونده‌ها یکسان است، اما وضعیت اقتصادی آدمها یکسان نیست. مردی ممکن است در پرداخت نخستین قسط نیز درمانده باشد؛ دیگری ممکن است دارایی داشته باشد، اما شناسایی آن برای طلبکار دشوار باشد. اگر قاعده‌های یکسان، این دو وضعیت را مانند هم ببیند، هم به بدهکار ناتوان ستم می‌کند و هم به زنی که طرف حسابِ بدهکار توانمند است. معیار منصفانه‌تر، بررسی دقیق اعسار و تمکن است؛ البته تنها زمانی که دادگاه بتواند به اطلاعات معتبر، به هنگام و قابل رسیدگی دسترسی داشته باشد. در اینجاست که بخش کم سروصداتر مصوبه شاید از خود عدد ۱۴ مهمتر می‌شود. متن تصویب‌شده، به‌روزرسانی سامانه استعلامات مالی قوه قضاییه و دسترسی برخط مراجع قضایی و اجرای ثبت به اطلاعات دارایی را پیشبینی کرده است. اگر چنین سازوکاری با رعایت ضوابط قانونی درست اجرا شود، قاضی برای تشخیص اعسار تنها به ادعای بدهکار تکیه نمی‌کند و زن نیز برای پیگیری حق خود ناچار نیست به جست‌وجوی شخصی و پرهزینه درباره اموال همسر سابق یا فعلی‌اش روی بیاورد. اما فاصله میان تصویب یک تکلیف فناورانه و دسترسی واقعی به داده‌های کامل، نقطه‌ای است که مجلس باید پیش از تغییر ضمانت اجرا درباره آن پاسخ روشن بدهد. منتقدان طرح نیز نگرانیشان را در همین فاصله بیان کرده‌اند. سمیه سادات حسنی حلم، حقوقدان، هشدار داده است که در مهریه‌های بیش از ۱۴ سکه، دشواری احراز توانایی مالی مرد می‌تواند در عمل بر دوش زن سنگینی کند. این نگرانی به معنای دفاع از زندانی شدن هر بدهکار نیست؛ مسئله آن است که کاهش فشار اجرای حکم، پیش از کارآمد شدن راههای شناسایی مال و وصول طلب، ممکن است قدرت چانه‌زنی طرفین را نابرابرتر کند. در سوی دیگر، دفاع طراحان از حبس‌زدایی را هم نمی‌توان صرفاً به بی‌اعتنایی به حقوق زنان فروکاست. هر دو دغدغه واقعی‌اند و قانون خوب باید برای هر دو راهحل اجرایی داشته باشد. مصوبه البته فقط درباره سکه و پابند نبود. در آن، تعدیل اقساطِ محکوم‌بهِ غیرنقدی هنگام نوسان بیش از ۱۰ درصدی قیمت نیز پیش‌بینی شده بود؛ موضوعی که برای بدهیِ تعیین‌شده به سکه اهمیت آشکار دارد. قانونگذاری در این بخش باید هم از قسطی که با جهش قیمت از توان بدهکار خارج می‌شود جلوگیری کند و هم ارزش واقعی طلب زن را نادیده نگیرد. همچنین متن طرح، احکامی درباره انتقال مال با انگیزه فرار از دین و شیوه تقسیط داشت. این جزئیات نشان می‌دهد بحث مهریه را نمی‌توان با یک تیتر درباره «کاهش سکه‌ها» توضیح داد؛ مجلس در واقع به سراغ مجموعه‌ای از قواعد اجرای بدهی رفته بود. بخش دیگری از مصوبه، حساسیت مسئله را بیشتر می‌کند: تغییر مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی درباره حق حبس زوجه، و افزودن مواردی به ماده ۱۱۳۰ درباره درخواست طلاق زن. «حق حبس زوجه» اصطلاحی حقوقی درباره امکان خودداری زن از انجام برخی وظایف تا دریافت مهر، تحت شرایط قانونی است؛ این اصطلاح را نباید با زندانی کردن مرد اشتباه گرفت. در متن مصوب، برای بعضی مسیرهای درخواست طلاق، آمادگی زن برای بذل همه حقوق مالی‌اش شرط شده بود. چنین پیشنهادی را باید با توجه به شرایط زنانی سنجید که سالها کار خانگی کرده‌اند اما پسانداز یا درآمد مستقل کافی ندارند. شورای نگهبان به ابهام دیگری در همین بخش اشاره کرده است: متن، به دادگاه اجازه می‌داد در شرایطی صدور حکم طلاق را به بازگرداندن تمام یا بخشی از حقوق مالی دریافت‌شده یا اموال و هدایا مشروط کند. پرسش شورا این بود که آیا این بازگرداندن تابع شرایط مقرر در قوانین موجود است یا اختیار تازه و گسترده‌ای ایجاد می‌کند. ابهام، صرفاً بحثی میان حقوقدانان نیست. برای زنی که می‌خواهد بداند در پایان یک زندگی مشترک چه دارایی‌ای برای آغاز دوباره خواهد داشت، تفاوت میان «مال قابل استرداد» و «هر آنچه دریافت کرده» می‌تواند تعیین‌کننده باشد. از سوی دیگر، درباره نظارت الکترونیکی نیز جزئیات سرنوشت‌سازند. محدوده مجاز رفت‌وآمد چگونه تعیین می‌شود؟ اگر فرد برای درمان یا ضرورتی دیگر از آن خارج شود، چه کسی و با چه معیاری تصمیم می‌گیرد؟ شورای نگهبان روشن نبودن حدود محدودیت، اختیار مرجع قضایی و نحوه برخورد با خروج از محدوده را از ابهام‌های مصوبه برشمرده است. پایند الکترونیکی، به‌خودی‌خود نه پرداخت مهریه است و نه بخشودگی آن؛ ابزاری برای اجرای تصمیم قضایی است. ارزش آن را باید با این پرسش سنجید که آیا به وصول طلب کمک می‌کند، بی‌آنکه برای خانواده محدودیتی نامتناسب بسازد. مسئله مهریه، در عین حال، به نابرابریهای پیش از اختلاف هم گره خورده است. زوجین هنگام امضای عقدنامه ممکن است درباره رقم مهریه مذاکره کنند، اما همیشه درباره زمان پرداخت، اموال در دسترس، شروط ضمن عقد و پیامدهای جدایی با همان دقت گفتوگو نمی‌کنند. رقم‌های بزرگ گاهی جای توافق روشن را می‌گیرند؛ سپس در اختلاف، هر دو طرف با تعهدی روبه‌رو می‌شوند که معنای عملی آن را متفاوت فهمیده‌اند. قانونگذار نمی‌تواند با یک عدد این فاصله را پر کند.

خبر

ناکامی سوداگران مرگ در انتقال محموله ۶۰ کیلویی تریاک

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فرماندهی انتظامی استان اصفهان از توقیف یک دستگاه کامیون حامل ۶۰ کیلو تریاک در یکی از محورهای مواصلاتی شهرستان نایین خبر داد.

سرهنگ محسن سلطانی اظهار داشت: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان نایین، با همکاری اطلاعاتی پلیس مبارزه با مواد مخدر استان های اصفهان و یزد از انتقال محموله مواد مخدر در یکی از محورهای مواصلاتی مطلع و بررسی موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. او افزود: در این راستا مأموران ضمن هماهنگی با مرجع قضائی به محور مورد نظر اعزام و پس از شناسایی یک دستگاه کامیون حامل مواد مخدر، طی عملیاتی ضربتی نسبت به توقیف آن اقدام کردند. سلطانی با اشاره به کشف ۶۰ کیلو تریاک در بازرسی از این خودرو تصریح کرد: در این رابطه یک متهم دستگیر که پس از تشکیل پرونده برای انجام اقدامات قانونی به مرجع قضائی تحویل داده شد.

شناسایی استعدادهای دانش آموزان رویکرد جدید برنامه‌های فرهنگی مدارس

مدیر آموزش و پرورش تیران و کرون گفت: شناسایی و رشد استعدادهای دانش آموزان و مهارت‌پروری رویکرد برنامه‌های فرهنگی مدارس شهرستان در سال تحصیلی جدید است.

علی شریعتی‌نیا اظهار کرد: برنامه‌های فرهنگی مدارس همانند اقدامات آموزشی در یک‌سال تحصیلی اهمیت داشته و امسال رویکرد جدید و توأم با شناسایی و رشد استعدادهای فرهنگی و هنری دانش آموزان در مدارس رقم خورده است. او افزود: در این خصوص مدیران و تیم اجرایی مدارس همراه با معاونین و مربیان پرورشی در کنار همدیگر در این مسیر حرکت می‌کنند. مدیر آموزش و پرورش تیران و کرون ادامه داد: مشارکت‌بخشی دانش‌آموزان در اجرای برنامه‌های فرهنگی مدارس در اولویت قرار دارد و باید دیدگاه و علاقه‌های آنان مورد توجه قرار گیرد و مطابق با موازین، اجرایی شود. برنامه صبحگاهی با نشاط و دعوت از کارشناسان و چهره‌های شاخص برای الگوسازی از جمله برنامه‌های مورد تاکید است. او اضافه کرد: کتاب و کتابخوانی جز مهمترین برنامه‌های مدارس و به عنوان زیرساخت مورد توجه است. همچنین تجهیز کتابخانه هر مدرسه با کمک خانواده‌ها و منابع حمایتی انجام خواهد شد. مدیر آموزش و پرورش تیران و کرون با بیان اینکه برگزاری مسابقات کتابخوانی خلاقانه اهمیت دارد، تصریح کرد: ۳۶ نفر از دانش آموزان شهرستان در قالب سه گروه در جام باشگاه‌های کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور دارند. شریعتی‌نیا یادآور شد: نباید موضوعات فرهنگی در حاشیه قرار گیرد و باید با توسعه این دسته از برنامه‌ها به تقویت ارزش‌ها کمک کرد و فرهنگ ناب در بین نسل جدید گسترش پیدا کند. اقامه نماز جماعت، یادواره شهدای محلات و توسعه برنامه‌های قرآنی به صورت تخصصی مورد توجه قرار دارد.

غرامت بیماران پروانه‌ای پرداخت شد

سخنگوی قوه قضاییه از پرداخت غرامت به ۷۷۱ بیمار پروانه‌ای خبر داد و گفت: این مبالغ پس از توقیف نفتکش متعلق به آمریکا در بندر شهید رجایی و فروش محموله نفتی آن تأمین شد.

سیدعلی کاظمی در تشریح روند پرداخت غرامت به بیماران پروانه‌ای (EB) اظهار کرد: در پرونده‌ای که با شکایت ۷۷۱ نفر از بیماران پروانه‌ای و با کمک مؤسسه مربوط به این بیماران در شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی تهران رسیدگی شد، حکم محکومیت دولت آمریکا به پرداخت خسارت‌های مادی، معنوی و تنبیهی صادر شد. او افزود: پس از صدور رأی، وکلای پرونده درخواست توقیف اموال را مطرح کردند که در همین راستا، یک فروند نفتکش متعلق به آمریکا با رعایت مقررات قانونی مربوط به دریانوردی، در بندر شهید رجایی استان هرمزگان توقیف شد. کاظمی با اشاره به مشخصات این نفتکش گفت: این کشتی با نام «ادونجر سوئیت» و با پرچم جزایر مارشال، حامل نفت خام از منطقه مشترک بین عربستان و کویت بود که در پنجم اردیبهشت ۱۴۰۲ توقیف شد. پس از آن نیز اقدامات قانونی لازم برای فروش محموله نفتی انجام گرفت. سخنگوی قوه قضاییه درباره میزان خسارت تعیین‌شده برای شکات تصریح کرد: از بابت خسارت‌های مادی، برای هر خواهان پنج میلیون دلار و از بابت خسارت‌های معنوی، برای هر خواهان هشت میلیون دلار با نرخ روز و مبنای محاسباتی مربوط در نظر گرفته شد. او ادامه داد: در نهایت، مبالغ حاصل از این اقدامات در اختیار بیمارانی قرار گرفت که در این پرونده طرح دعوا کرده بودند. کاظمی با اشاره به برگزاری مراسمی در هفته گذشته در دادگستری تهران گفت: در این مراسم، بخشی از مبالغ به‌صورت نمادین به تعدادی از بیماران پروانه‌ای اهدا شد. سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ به دغدغه‌هایی درباره میزان غرامت و زمان پرداخت آن توضیح داد: ممکن است مبلغ توقیف و پرداخت‌شده نتواند تمام خسارت‌های واردشده به این عزیزان یا هزینه‌های درمان آنان در طول زندگی را جبران کند؛ چراکه دادگستری بر اساس میزان خواسته‌ای که در دادخواست مطرح شده، رسیدگی و حکم صادر می‌کند. او درباره زمان‌بر بودن پرداخت غرامت نیز گفت: پرداخت این مبالغ مستلزم طی مراحل اجرای احکام بوده، اما در این پرونده از مرحله فروش محموله نفتی تا اجرای حکم، زمان بسیار کمی صرف شد و دادگستری با حداکثر سرعت اقدامات لازم را دنبال کرد. کاظمی با اعلام آمادگی دستگاه قضایی برای شنیدن مطالبات بیماران پروانه‌ای خاطرنشان کرد: تاکنون مورد مشخصی از نارضایتی این عزیزان به ما منعکس نشده و در مراسم برگزارشده نیز نمایندگان مرکز و خانه بیماران و خود بیماران حاضر از اقدامات انجام‌شده قدردانی کردند.